



۲۰۱۸/۱۰/۱۵

مرجان کمال

یادداشت های پراکنده

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

قسمت بیست و چهارم

هر شب که قمر تابید هر صبح که سر زد شمس

در گردش روز و شب شمس و قمرم بودی



فرضیه ها (Hypotheses)

ماه می ۲۰۱۶

سه فرضیه عمده به قرار ذیل می باشد:

- بی ریشه شدن طبقه یا کنگوری زارعین و مالداران (یا دنیای زراعت و مالداري) به نفع پروسه یا روند تشکیلات دولتی که نشان دهنده پدیدار شدن زمینه اجتماعی جهاد مسلحانه در افغانستان می باشد؛

- ماحول یا اوضاع سیاسی که تشکیل‌کننده ساختار، محدودیت‌ها و فرصت‌طلبی‌های فعالان سیاسی، و تاریخی، که تعیین‌کننده زمینه برای کشمکش‌ها، بین‌منطق‌جدا‌طلبی، تفرقه و چنددستگی جامعه از یک طرف، و موقعیت‌گیری ایدئولوژیکی از طرف دیگر می‌باشد.

به عبارت دیگر فعالان سیاسی مجبور هستند، که با یک ماحولی که اساساً توسط یک «کود دوگانه» «double code» (راه و رسم و مقررات) ساخته شده است عمل کنند.

- عبور به خشونت مسلحانه و تحرکات یا دینامیک خشونت‌دسته‌جمعی همه نتیجه ارتباطات قوای منطقی و بین‌المللی، و دقیقاً نتیجه فعالیت بازیگران فراملتی در داخل بازار بین‌المللی جنگ می‌باشد.

دو فرضیه اول، مشخصه ساختار ساحة سیاسی و اجتماعی بوده که تشریح و تعریف از تحلیل و تجزیه آن بعنوان نتیجه یک پروسه تشکیل‌شده، در دراز مدت می‌باشد، و بما اجازه به دانستن دستور زبان سیاسی را در افغانستان میدهد. فرضیه سوم مشخصاً به میکانیزم و حوزه صلاحیت خشونت‌های مسلحانه که قبلاً به آن اشاره شد ارتباط می‌گیرد، که ایجاد تفکر و رهنمایی به سطح محلی بالای تحلیل فرضیه خشونت مسلحانه، در جنوب - شرق، مرکز - شرق و همچنان شمال - شرق افغانستان می‌نماید.

تحلیل دینامیک خشونت‌های مسلحانه در این نمونه محلات منشأ خود را از منطق دو فرضیه اول می‌گیرد، که نشان‌دهنده بی‌ریشه شدن اجتماع و «double code» می‌باشد، که در قسمت اول از آن نام برده شده است.

با وجود آن، تحلیل و انالیز به طور یکسان نشان می‌دهد که به صورت ساختاری در سه محل، اساس و بنیاد اجتماعی - سیاسی، مشخص گردیده است، پدیده‌های خشونت مسلحانه عبارت از همان شبکه‌های فراملتی است که ارتباط به قدرت‌های منطقی و بین‌المللی، که نمایندگی از بازیگران اصلی و عمده «جنگ گلی علیه وحشت» «guerre globale contre la terreur» می‌نمایند. منطق درگیری و نزاع بصورت دوامدار ارتباط می‌گیرد به عملکرد شبکه‌های مسلحانه فراملتی و ارتباطات قوت‌ها، که بازی‌گران جنگ را در تقابل به دور بُرد و باخت جیوستراتژیکی و اقتصادی قرار می‌دهد.

اندیشه و فکر بالای این سه فرضیه، در هر دو زمان، ما را رهنمایی می‌نماید، تا به صورت خلاصه نشان بدهیم:

تحلیل دراز مدت:

مجموع قوانین و دستور زبان سیاسی در افغانستان:

عوامل اجتماعی و هویتی عبور خشونت در افغانستان بعد از تأمل و رهنمایی که قبلاً به آن اشاره شد قابل شناخت است که عبارت از همانا مفهوم قوم است. برای یادآوری، سه نقطه برجسته که باعث ایجاد رابطه بین تعریف و توصیف و بسیج کردن مردم می‌گردند عبارت‌اند از:

- بسیج نمودن که باعث تجمع یک شبکه اتحاد و همبستگی می‌شود؛

- یک عنصر ساختاری ساحة اجتماعی که در آن شناخت از عین نسل و نیاکان که به ما اجازه توضیح و تشریح بین‌گروپ‌ها و اندازه ارتباطات‌شان را می‌دهد.

- ارتباطی که در واقع از قبل بین تشکیلات اجتماعی و داد و گرفت سمبولیک، و هویتی در زندگی اجتماعی موجود است. این داد و گرفت سمبولیک نتیجه پروسه تأثیر متقابل است، که تنظیم کننده روابط بین گروه ها می باشد. در حالیکه استعمال مفهوم قوم به حیث کمک کننده فعالیت های دسته جمعی، نتیجه پروسه ایست که به صورت تاریخی ساخته شده و مربوط به محیط اجتماعی - سیاسی می باشد. این جریانات در اصل خود مجبوری و مناسب و خاص است که خود را بالای فعالان ساحة سیاسی تحمیل می کند.

در مراحل مختلف ظهور دولت افغانستان قبایل رول دوگانه را بازی نمودند، از لا به لای پدیده تشکیل و تأسیس اساسنامه اتحاد های مؤقتی علیه یک دشمن مشترک، قبایل به تشکیل اولین گروه سیاسی پرداخت که از عین نظریات پیروی می کردند.

بر علاوه در شرایط مبارزه علیه استعمار، باشندگان مناطق کوهستانی برای یک تحرک نظامی به دور یک سمبول مذهبی جمع و رهنمایی گردیدند، که همانا جهاد است.

مفهوم جهاد، دفاع و حمایت ملی در یک چوکات مشخصه (master frame) فرهنگ سیاسی از زمان جنگ افغان - انگلیس در قرن نوزده و شروع قرن بیستم بوده، که نشان دهنده یک ابزار کلان و بزرگی بسیج شدن اهالی برای دفاع از دین می باشد، در صورتی که وطن توسط یک قوای خارجی غیر مسلمان اشغال شده باشد. و این مشخصاً تعیین کننده ضرورت به تلاش و مقاومت و دفاع از دین بوده، در صورتی که دین در معرض خطر و تهدید قرار گرفته شده باشد.

مفهوم جهاد «در بازی های کلان» «grand jeu» روس و انگلیس یک وسیله توجیه به دشمن خارجی، که اساساً دفاعیه بوده، که سبب فراهم نمودن حقانیت و مشروعیت مذهبی و یک انسجام ملی، عیناً مانند مقاومت علیه اشغال شوروی در سال ۱۹۷۹ که در فضای یک جنگ سرد به وجود آمد.

ادامه دارد



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که قسمت های قبلی و مطالب دیگر این نویسنده را هم مطالعه کنند، با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده، در صفحه مقالات می توانند به فهرست "آرشیف" وی رهنمائی شوند!